





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بیان مسأله

در مختصر تاریخ دمشق از ابن عباس نقل می‌کند: در قرآن مجید، خطاب ﴿یا ایها الذین آمنوا﴾ در هیچ آیه‌ای نازل نشده مگر این که علی علیه السلام سید و شریف و امیر (مصدق اتم و اکمل) آن است. و هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله نبود، مگر این که خداوند در قرآن به او عتاب کرده است به جز علی بن ابی طالب علیه السلام که خدا هرگز در چیزی به او عتاب نکرد. در کتاب خدا آن چه درباره‌ی علی علیه السلام نازل شده درباره‌ی هیچ کس نازل نشده که حدود سیصد آیه از قرآن مجید درباره‌ی علی علیه السلام نازل شده است. (ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲)

اگرچه به دلایل خاصی نام علی علیه السلام به صراحت در قرآن نیامده است، ولی به اقرار و اعتراف برخی از بزرگان اهل تسنن، آیات بسیاری در منزلت، شأن و جایگاه رفیع علی علیه السلام یا اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و جای هیچ تردیدی نیست که این آیات درباره‌ی دیگران نازل نشده است. در این آیات به حوادث و رخدادهایی اشاره شده است که کسی به جز علی علیه السلام یا اهل بیت علیهم السلام مصداق دیگری ندارند؛ اگرچه نباید از این نکته غفلت نمود که ممکن است در برخی موارد، معنای آیه معنایی عام باشد و ظاهر آیه، دیگران را نیز شامل شود، ولی به هر صورت، مصداق اکمل و اتم آن اهل

۱- در این باره در شواهد التنزیل حدیثی ذکر شده است که بیان‌گر دلیل عدم ذکر نام علی علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام در قرآن است: ابوبصیر نقل می‌کند که از امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی ﴿اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم﴾ سؤال کردم، امام علیه السلام فرمودند: درباره‌ی علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است. گفتم: مردم می‌گویند که چه مانعی از نام بردن صریح بوده است که خداوند نام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام او را در قرآن نیاورده است؟ امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند پیامبر را در قرآن به نماز امر فرمود، ولی تعداد رکعات را ذکر نکرد و همچنین مسلمانان را امر به حج کرد، ولی نفرمود که هفت بار به دور خانه‌ی کعبه طواف بجا بیاورید؛ برای این که پیامبر این امور را برای مردم تفسیر کند. در این باره هم همین‌طور است؛ بعد از نزول این آیه درباره‌ی علی و حسن و حسین علیهم السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اوصیکم بکتاب الله و اهل بیتی» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۸)

بیت علیهم السلام یا شخص علی بن ابی طالب علیه السلام است. پیش از این گفته شد که به نقل ابن عباس، سبب آیه از قرآن درباره علی علیه السلام و مدح او نازل شده است در این نوشتار برخی آیات نازل شده در شأن حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام مطابق با روایات سبب نزول، از تفسیر المراغی اثر احمد مصطفی مراغی از مفسران اهل تسنن و از جامع ترین تفاسیر معاصر مورد بررسی قرار می گیرد، در این راستا این سؤالات مطرح است که دیدگاه مفسر در خصوص آیات نازل شده در شأن اهل بیت علیهم السلام چه گونه است؟ آیا مفسر روایاتی که بر نزول برخی آیات در شأن اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد و مفسران فریقین در مورد آن اتفاق نظر دارند را مطرح نموده است یا خیر؟ قابل ذکر است که در این پژوهش فقط به حدود پانزده آیه اشاره شده و به همین دلیل آیات روشن تر را گزینش نموده و به شأن نزول آن ها در تفاسیر فریقین و بررسی نظر مراغی در این باره پرداخته شده و در بیان شأن نزول و مصادیق آیات، رجوع به منابع معتبر اهل تسنن مورد تأکید بوده است.

۱- بررسی آرای مراغی در مورد آیات نازل شده در شأن ائمه علیهم السلام

نظر مراغی در مورد آیات نازل شده در شأن حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را می توان به سه گروه تقسیم بندی نمود: دسته اول آیات این گونه است که در ذیل برخی آیات مفسر با بیان روایت، شأن نزول آیه به دلالت آیه در مورد حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام اقرار نموده اما در دسته دوم تفسیر آیات، افراد دیگری را نیز در فضیلت آیه با اهل بیت علیهم السلام شریک کرده و در تفسیر بیشتر آیات از ذکر شأن نزول و بیان مصداق آیه اجتناب نموده است.

۱-۱- فضایل انحصاری اهل بیت علیهم السلام در آیات از منظر مراغی

مفسر در تفسیر آیات ذیل به روایاتی استناد نموده که بیان گر فضایل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام می باشد، مانند:

- ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ (مریم، ۹۶) یعنی: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کسی که متّصف به این صفت هست بسیار کمیاب است و با وجود این سبب نجات جماعت بسیاری می‌شود، یعنی کسی که بشنود این حکایات و قصّه‌های قرآنی را حفظ کند برای آن که به مردم برساند و مردم را به ایمان ترغیب و تحریض کند و آنان را از کفر باز دارد چنین کسی سبب نجات خلق و باعث دوام ایمان آن‌ها می‌گردد. (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۳۶)

مفسّران فریقین، طبق روایاتی که ذیل این آیه آورده‌اند معتقدند که مراد از «أُذُنٌ وَاَعِيَّةٌ» در این آیه حضرت علی علیه السلام می‌باشد. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۳۵/ ثعلبی، همان، ج ۱۰، ص ۲۸/ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۶۵/ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۵۱۹/ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۲۷/ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۹، ص ۳۹۵/ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۶۰/ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۰۲/ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۴۹/ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۹۶/ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۴۴۴) مراغی هم این آیه را در شأن حضرت علی علیه السلام می‌داند و ذیل آیه می‌نویسد: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که در هنگام نزول این آیه به علی علیه السلام فرمود: یا علی! از خداوند خواستم که گوش تو را «اذن واعیه» یعنی: نگهدارنده‌ی حقایق، قرار دهد، علی علیه السلام فرمود: پس از دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ چیزی را فراموش نکردم و نمی‌توانستم فراموش کنم. (مراغی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۹، ص ۵۳) چنان‌که آشکار است این فضیلت بزرگی است برای پیشوای بزرگ اسلام، علی علیه السلام که صندوقچه‌ی اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله و وارث تمام علوم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و به همین دلیل بعد از او در مشکلاتی که برای جامعه اسلامی پیش می‌آمد موافقان و مخالفان به او پناه می‌بردند و حل مشکل را از او می‌خواستند.

۲-۱- فضایل دیگران در کنار فضایل اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه مراغی

در تفسیر برخی آیات مراغی ضمن این که به فضایل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در آیه اشاره می‌کند افراد دیگری را هم به عنوان مصداق آیه معرفی می‌نماید.

- «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقره، ۲۷۴) یعنی: کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیه‌ی شریفه در حق ابوبکر نازل شده باشد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۷) بنابراین باتوجه به سخن سیوطی پذیرش روایت اول مبنی بر این که آیه در شأن ابوبکر نازل شده، صحیح به نظر نمی‌رسد.

• ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران، ۶۱) یعنی: پس هر که در این باره پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجّه کند، بگو: «بیایید پسران ما و پسران تان، و زنان ما و زنان تان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

این آیه به آیه‌ی مباحله معروف است و مباحله در اصطلاح قرآن و روایات و غیر آن‌ها، به معنای ملاعنه (لعن و نفرین کردن دو طرف به یکدیگر) است؛ این گونه که هرگاه دو گروه یا دو نفر درباره‌ی مسأله‌ای مهم مانند مسائل مهم مذهبی با هم گفت‌وگو کرده و به نتیجه‌ای نرسند، در یکجا جمع می‌شوند و به عنوان آخرین حربه، به درگاه خداوند تضرع می‌کنند و از او می‌خواهند تا دروغ‌گو را رسوا و مجازات کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۸۰) ماجرای این آیه در مورد مناظره و محاجه نصارای نجران با رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که توصیف قرآن از عیسی علیه السلام را قبول نداشتند و مباحله را پیشنهاد کردند که سودی به حال آن‌ها به جز پرداخت جزیه نداشت.

مراغی دو روایت ذیل این آیه آورده است. روایت اول: پیامبر صلی الله علیه و آله برای مباحله علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام و دو فرزندش را انتخاب کرد و با آن‌ها خارج شد و گفت: من دعا می‌کنم و شما آمین بگویید.

روایت دوم: جعفر از پدرش نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که آیه نازل شد با ابوبکر و فرزندش و با عمر و فرزندش و با عثمان و فرزندش آمد. (مراغی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۷۵) چنان که آشکار است با توجه به این دو روایت، مفسر آیه را هم در شأن اهل بیت پیامبر علیهم السلام و هم ابوبکر و عمر و عثمان با فرزندانشان می‌داند در حالی که زمخشری این آیه را قوی‌ترین دلیل بر فضیلت اهل بیت علیهم السلام بر می‌شمرد و می‌نویسد: در آن دلیلی است که هیچ دلیلی محکمتر از آن بر فضل اصحاب کساء علیهم السلام وجود ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۰) و فخر رازی می‌نویسد: «در درستی روایت آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله به هم‌راه علی و حسنین و فاطمه علیهما السلام برای مباحله، بین اهل تفسیر و حدیث شبه اتفاق است و ... پیامبر بعد از اجتماع آن افراد، آیه تطهیر را تلاوت کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۴۷). بنابراین با توجه به گفته



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آیه‌ی تطهیر مانند «بِیوتِکِنَّ، لَا تَبْرَجَنَّ، لَسْتُنَّ» به صورت مؤنث آمده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۸۷) بنابراین آیه‌ی تطهیر در شأن فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. مراغی ذیل آیه می‌نویسد: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی هستند که ملازم اویند از مردان و زنان، همسران، کنیزان و خویشاوندان و روایتی از ابن عباس نقل کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌دیدیم که طی نه ماه هر روز هنگام هر نماز در خانه علی علیه السلام می‌آمد و می‌فرمود: «السلام علیکم و رحمة الله، إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یتطهروکم تطهیرا الصلاة یرحمکم الله». (مراغی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۲، ص ۷)؛ بنابراین مراغی با توجه به بیان روایت مذکور آیه را در شأن اهل بیت علیهم السلام می‌داند اما در تفسیر آیه، عمومیت بیشتری قائل شده است. البته این نکته قابل ذکر است که سخن مراغی که می‌گوید: اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی هستند که ملازم اویند از مردان و زنان، همسران، کنیزان و خویشاوندان، و به این طریق همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را از مصادیق آیه می‌داند با توجه به احادیثی که مطرح شد صحیح به نظر نمی‌رسد.

۳-۱- عدم ذکر فضایل اهل بیت علیهم السلام در تفسیر المراغی

مراغی در تفسیرش بیشتر آیاتی که در شأن حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام نازل شده و مفسران فریقین هم در تفاسیر به آن اشاره کردند از بیان روایات شأن نزول و بیان مصداق اجتناب نموده است.

• ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَ...﴾ (المائدة، ۵۴)

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند

طبرسی در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه‌ی شریفه می‌گوید: بعضی گفته‌اند: منظور از قومی که می‌آیند و در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کفار شدیدترند امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اصحاب او هستند که با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگیدند و این معنا از عمار یاسر و حذیفه و ابن عباس روایت شده و از امام باقر و امام صادق علیهم السلام نیز همین تفسیر روایت شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۸۸) بنابراین با توجه به آنچه که مطرح شد مصداق آیه، حضرت علی علیه السلام و اصحابش که با ناکثین و قاسطین و مارقین جنگیدند، می‌باشد و مصادیق مطرح دیگر در این زمینه، قابل توجیه و پذیرش نیست.

- ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾ (المائدة، ۵۵)

یعنی: ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

این آیه به آیه‌ی ولایت معروف است و در سبب نزول آن در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که روزی فقیری وارد مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله شد و از حاضران تقاضای کمک نمود، اما کسی توجهی به او نکرد، در این هنگام علی علیه السلام که در حال رکوع به سر می‌برد، به سمت فقیر اشاره کرد و بدین وسیله به او فهماند که انگشتی حضرت را برای خود بردارد و در اینجا بود که این آیه نازل شد. (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵۹/ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۶۳/ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۴۹/ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۶)

آیه‌ی ولایت از مهم‌ترین شواهدی است که دانشمندان شیعه با استفاده از آن، امامت بلافصل علی علیه السلام را اثبات کرده‌اند؛ شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد: بدان که این آیه از واضح‌ترین ادله بر امامت بلافصل علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا اولاً ثابت می‌گردد که کلمه‌ی ولی در آیه به معنای اولی و احق است و دیگر آن که ثابت شده است که مصداق: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ کسی جز علی علیه السلام نیست و با اثبات این دو اصل، دلالت آیه بر امامت علی علیه السلام روشن و واضح است. (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵۹)

درباره‌ی الفاظ جمع موجود در آیه، با توجه به آن که آیه‌ی ولایت اختصاصاً درباره‌ی علی علیه السلام نازل شده است، مفسران به بحث پرداخته‌اند از جمله زمخشری نوشته است: اگر کسی بگوید چه‌گونه صحیح است که آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده باشد، در صورتی که لفظ «الَّذِينَ» به صورت جمع به کار رفته است، خواهم گفت: با آن که آیه، درباره‌ی یک فرد نازل شده، لفظ جمع به کار رفته است تا آن که سایر مردم نیز به چنین کاری ترغیب شوند و به ثوابی مانند ثواب علی علیه السلام دست یازند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۴۹)

مراغی شأن نزول آیه را بیان نموده و در تفسیر آن می‌نویسد: «ولی» به معنای ناصر ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾ به معنای مؤمنان صادقی که دارای صفاتی چون اقامه‌ی نماز، اعطای زکات و راکع هستند و معنای راکع را با توجه به اساس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ (التوبه، ۱۱۹) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید.

برخی مفسران مصداق «صَادِقِينَ» در آیه را حضرت علی علیه السلام بیان نموده‌اند، سیوطی از ابن عباس و نیز از ابن عساکر از ابوجعفر آورده که در تفسیر آیه می‌گوید: ﴿ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴾ گفته‌اند: مقصود از صادقین علی بن ابی طالب علیه السلام است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۹۰) همچنین روایات دیگری در منابع فریقین وجود دارد که بیان‌گر این مطلب است، که این آیه در حق علی علیه السلام نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۴۲ / طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۱۲۲ / کاشانی، ۱۳۳۶ق، ج ۴، ص ۳۴۱ / عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۸۱ / بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۶۴ / شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۷۲ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۳)

مراغی، مصداقی برای این آیه ذکر نکرده و در تفسیر آن می‌گوید: ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده و با انجام فرائض و ترک نواهی از آن مراقبت نموده و در دنیا از اهل ولایت و اطاعت بوده‌اید، در آخرت با راستگویان در بهشت باشید، و در ادامه روایاتی آورده که بیشتر به توضیح صدق و کذب پرداخته است. (ج ۱، ص ۴۳)

بنابراین وی آیه‌ی مذکور را، شامل همه‌ی مؤمنان راست‌گو می‌داند و در صدد تطبیق آیه بر نیامده است. اما این نکته قابل ذکر است، که در آیه‌ی فوق دو دستور داده شده، نخست: دستور به تقوا و سپس دستور به همراه بودن با صادقین. اگر مفهوم صادقین در آیه، عام باشد و همه‌ی مؤمنان راستین را شامل گردد باید گفته شود و کونوا من الصادقین از صادقین باشید، نه با صادقین باشید، این خود قرینه روشنی است که «صادقین» در آیه به معنی گروه خاصی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۸، ص ۱۸۲)

• ﴿ وَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٍ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴾ (الرعد، ۷) یعنی: و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر]، تو فقط هشداردهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است. برخی از مفسران روایتی از ابن عباس ذیل آیه آورده‌اند، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من «منذر» و علی «هادی» است و به تو یا علی هدایت شوندگان هدایت می‌شوند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۷۲ / فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۴ / اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۳۵۴ / ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۷۲ / سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۵ / دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۵۱۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۲۷۷) علاوه بر این، ابن منذر از شعبی روایت کرده که گفته است: خداوند در قرآن هیچ آیه‌ای درباره عبدالله بن سلام نازل نکرده است. (طباطبایی، ج ۱۱، ص ۵۳۳) بنابراین با توجه به این روایات مراد از ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ حضرت علی علیه السلام است نه عبدالله بن سلام، چون او بود که به شهادت روایات صحیح و بسیار، از تمامی امت مسلمان داناتر به کتاب خدا بود و اگر هیچ یک از آن روایات نبود جز روایت ثقلین که هم از طرق شیعه و هم از طرق سنی به ما رسیده در اثبات این مدعا کافی بود، زیرا در آن روایت فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی، اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا بعدی ابدًا» یعنی: من در میان شما دو چیز بس بزرگ می‌گذارم یکی کتاب خدا و یکی عترتم، این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا کنار حوض بر من درآیند، و شما مادام که به این دو تمسک جویند بعد از من هرگز گمراه نخواهید شد. (همان، ج ۱۱، ص ۵۳۰)

• ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ﴾ (الشعراء، ۲۱۴) یعنی: و خویشان نزدیکت را هشدار ده.

بر اساس آنچه در کتاب‌های تاریخی معتبر آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله تا سه سال به صورت مخفیانه دعوت می‌کرد اما به دنبال نزول آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ الْأَقْرَبِینَ﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد که دعوت خود را علنی سازد و در این راه از خویشان و اقربای خود آغاز کند. (ابن هشام، ۱۳۵۵ق، ج ۱، ص ۲۸۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله به همین منظور خویشان خود را دعوت فرمود و پس از چند جلسه پذیرایی دعوت خود را با آنان در میان گذاشت. طبری، مورخ اهل تسنن ماجرای این دعوت را به نقل از علی علیه السلام که خود شاهد وقایع بوده به این شکل نقل می‌کند: در آن جمع رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به قوم خود کرد و گفت: به راستی من خیر دنیا و آخرت را برای شما آوردم و خدای تبارک و تعالی به من فرمان داده است که شما را به آن دعوت کنم، پس کدامیک از شما مرا در این کار یاری و همراهی می‌کند که در این صورت او برادر من، وصی من و جانشین من در بین شما باشد؟ علی علیه السلام در ادامه می‌فرماید: پس بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله همگی روی گرداندند اما من در حالی که از همه کوچکتر بودم به پا خاستم و گفتم: ای پیامبر خدا، من یار و وزیر شما در این کار خواهم شد در اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله گردن مرا گرفت و خطاب به آن جمع گفت: این شخص برادر من، وصی من و خلیفه من در بین شماست، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید، در اینجا آن جماعت در حالی که می‌خندیدند، برخاسته، خطاب به ابوطالب علیه السلام گفتند: به تو دستور داد که فرمان پسرت را بشنوی و از او اطاعت کنی. (طبری، تاریخ طبری، بی تا، ج ۲،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خویشاوندی شما با رسول خدا صلی الله علیه و آله به دردتان نمی خورد و در درگاه خدا اثری برایتان ندارد، در روایات نیز اشاره‌ای به این معنا شده و فرموده: من نزد خدا کاری نمی توانم برایتان بکنم و این معنا که از آیه استفاده می شود با دعوت همه قبائل در آن روز نمی سازد، بنابراین، روایتی است که می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز نزول آیه تنها بنی هاشم و یا بنی عبد المطلب را به انذار اختصاص داد مورد اعتماد است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۳۴)

• ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ...﴾ (الحديد، ۱۹) یعنی: و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان صادقون هستند.

برخی از مفسران اهل تسنن، از جمله حسکانی «صدیقون» را سه تن معرفی کرده‌اند. حبیب نجار (مؤمن آل یاسین)، حزیبیل (مؤمن آل فرعون)، علی بن ابی طالب علیه السلام که برترین ایشان است. (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۰۴) علاوه بر آن تعدادی از منابع اهل تسنن، صدیق را حضرت علی علیه السلام معرفی کرده‌اند. (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۴۲، ص ۱۲۴/ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۱/ خوارزمی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۹ و ص ۱۵۹)

با این حال، گروهی این لقب را به دیگران داده‌اند، در حالی که روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، علی علیه السلام را صدیق امت معرفی می کند. (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۴۲، ص ۱۲۴)

مراغی نیز در تفسیر آیه می نویسد: مراد افرادی است که به وحدانیت خداوند اقرار نموده و رسولش را تصدیق کرده و به آن چه که از طرف پروردگارشان آمده ایمان آورده‌اند، آن‌ها در حکم خداوند به عنوان صدیق محسوب می شوند و با این توضیح کلی و عام به بیان مصداق نپرداخته است.

البته این نکته قابل توجه است که عمومیت مفهوم آیه، تضادی با روایاتی که مصداق آن را علی علیه السلام می دانند ندارد، زیرا که این گونه روایات، ناظر به فرد اکمل است؛ یعنی می گوید: کامل ترین مصداق (صدیق) در امت اسلامی، علی علیه السلام است، کسی که بسیار صادق و راست گو بود و قبل از تمام مردان امت ایمان آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله عنوان «صدیق» امت اسلامی را به او داد.

• ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (المجادله، ۱۲) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با پیامبر گفتگوی محرمانه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با این حال، برخی از اهل تسنن کوشیده‌اند که این فضیلت را برای علی علیه السلام کم‌رنگ جلوه دهند و عمل بزرگان صحابه را توجیه نمایند، از جمله آن که می‌گویند: اگر بزرگان اهل صحابه اقدام به این کار (پرداخت صدقه) نکردند، نیازی به آن ندیدند و یا فرصت کافی نداشتند، یا فکر می‌کردند مبدا باعث ناراحتی فقراء و وحشت اغنیاء گردد، بنابراین این کار موجب فضیلتی برای علی علیه السلام یا سلب فضیلتی از دیگران نمی‌گردد. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۴۹۶) ولی با توجه به آیهی دوّم که خداوند به عنوان سرزنش می‌فرماید: «آیا (از فقر) ترسیدید که قبل از نجوی صدقاتی تقدیم کنید؟» علاوه بر آن در ذیل آیه، تعبیر توبه به میان آمده که از آن استفاده می‌شود که، اقدام به پرداخت صدقه و نجوی با پیامبر صلی الله علیه و آله کار مطلوبی بوده است و گرنه خودداری از آن سرزنش و توبه نداشت. (خویی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۳، ص ۴۵۳)

اما سرّ عمل کردن علی علیه السلام به آیهی نجوی در این است که آن حضرت اساساً موقعیت ویژه‌ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت که بنا به آن موقعیت به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و از خرمن دانش آن حضرت بهره‌ها می‌گرفت. حضرت خود در این باره می‌گوید: هرگاه من از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی طلب می‌کردم به من عطا می‌فرمود و چون ساکت می‌شدم، آن حضرت ابتدا به سخن می‌کرد. بر اساس این موقعیت، نزول آیهی نجوی نیز نتوانست فاصله‌ای در برنامه‌ی علی علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله به وجود آورد و اشتیاق علی علیه السلام به ملاقات با رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب گردید که او تنها عمل‌کننده به آیهی نجوی گردد.

مراغی، ذیل آیه روایتی از ابن عباس آورده که گفت: مسلمانان از رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد سؤال می‌کردند تا این که بر ایشان سخت شد و خدا خواست که بر پیامبرش سبک کند پس این آیات را نازل کرد، بنابراین با این کار، تعداد زیادی از مردم را از نجوا بازداشت. (ج ۲۸، ص ۱۹) بدین ترتیب وی روایتی عام آورده و به رغم آن که دیگر تفاسیر اهل تسنن به سبب نزول اشاره نموده‌اند به مصداق و سبب نزول آیه توجهی ننموده است.

• ﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ (التحریم، ۴) یعنی: اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بهتر است]، واقعاً دل‌هایتان انحراف پیدا کرده است. و اگر علیه او به یک‌دیگر کمک کنید، در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند] و گذشته از این، فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

أُولَئِكَ هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿ از آن روز اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه که علی علیه السلام را می‌دیدند می‌گفتند: «جاء خير البرية» یعنی: به تحقیق که خیر البریه آمد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۷۹۵ / سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۷۹ / شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۸۲ / طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۴۱ / موسوی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۵)

و عده‌ای هم از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: هنگامی که این آیه نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هم انت یا علی و شیعتک تآتی انت و شیعتک راضیین مرضیین و یأتی اعداؤک غضابنا مقمحين» (طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۱۷۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۶۲ / سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۷۹ / ابن حجر، ۱۳۸۵ق، ص ۱۶۱ / آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۴۳۲)

مراغی، در تفسیر این آیه می‌نویسد: آن‌ها کسانی هستند که نور دلیل در قلب‌شان تاییده و با آن هدایت شدند و آن‌چه که پیامبر صلی الله علیه و آله برای آن آمده را تصدیق نموده و عمل صالح انجام داده و جان‌شان را در راه خدا و جهاد با دشمنان بذل کردند و... وی اشاره‌ای به شأن نزول و بیان مصداق ننموده است. (ج ۳۰، ص ۲۱۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به آن‌چه مطرح شد، مراغی در مورد آیات نازل شده در شأن حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام سه موضع اتخاذ نموده است: ذیل برخی آیات مفسر با بیان روایت، شأن نزول و مصداق اکمل آیه به دلالت آیه در مورد حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام اقرار نموده اما در برخی آیات، افراد دیگری را نیز در فضیلت آیه با اهل بیت علیهم السلام شریک کرده و در تفسیر بیشتر آیات از ذکر شأن نزول و بیان مصداق آیه اجتناب نموده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱۶- جزری، علی بن محمد، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- ۱۷- جصاص، احمد بن علی، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۸- حسکانی، عبیدالله بن احمد، *شواهد التنزیل لقواعد التفسیر*، تحقیق: محمد باقری محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات و وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- ۱۹- حقی برسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۲۰- خوارزمی، موفق بن احمد، *المناقب*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ۲۱- خوئی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، انوار الهدی، ۱۴۰۱ق.
- ۲۲- دروزه، محمد عزه، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
- ۲۳- زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- ۲۴- سیوطی، جمال الدین، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۲۵- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القلید*، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۲۶- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- ۲۷- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر علوم القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- ۲۸- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری*، تحقیق: نخبة من العلماء الاجلاء، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا.
- ۲۹- همو، جامع البیان عن تأویل ای القرآن، بیروت، دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ۳۰- طبری، احمد بن عبدالله، *ذخائر العقبی و مناقب ذوی القربی*، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- ۳۱- همو، ریاض النضره فی مناقب العشرة، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- ۳۲- طنطاوی، سید محمد، *تفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی جا، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی